

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

درس سوم

الْمُعْجَم (۲۹ کلمه جدید)

غَضِبَ : خشمگین شد
(مضارع : يَغْضَبُ)
غَضْبَان : خشمگین
قَاطِعُ الرَّحِمِ : بُرْنده پیوند
خویشان
قَبَّلَ : بوسید (مضارع : يُقَبِّلُ)
قَسَمَ : تقسیم کرد
(مضارع : يُقَسِّمُ)
كَشَفَ : آشکار کرد
(مضارع : يَكْشِفُ)
مَخْزَن : انبار «جمع : مَخَازِن»

(مضارع : يَحْسَبُ)
حَفَرَ : گند (مضارع : يَحْفِرُ)
ذَهَاب : رفتن
رَاحِم : رحم کننده
رَجَاءً : لطفاً
رَحِمَ : رحم کرد (مضارع : يَرْحَمُ)
صِدْق : راستی
«لِسَانُ صِدْق : یاد خوب»
عَجَزَ : ناتوان شد
(مضارع : يَعْجِزُ)
عَدُوّ : دشمن «جمع : أَعْدَاء»

آخِر : پایان «آخِرِينَ : آیندگان»
إِخْوَان : یاران، برادران
«مفرد : أَخ»
إِعْتَذَرَ : معذرت خواست
(مضارع : يَعْتَذِرُ)
أَعْجَزَ : ناتوان ترین
اِكْتِسَاب : به دست آوردن
تَعَجَّبَ : تعجب کرد
(مضارع : يَتَعَجَّبُ)
جِسْر : پُل «جمع : جُسُور»
حَسِبَ : پنداشت

پل راستگویی

حمیده و سعیده دو برادر در یک مزرعه گندم بودند؛ در یکی از روزها میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگ تر «حمید» به برادر کوچک تر «سعید» خشم گرفت و به او گفت: «از مزرعه خارج شو.»

و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه مان خارج شو»
در صبح یکی از روزها مردی در خانه حمید را زد، وقتی که در خانه را باز کرد، نجاری را دید و از او پرسید: «از من چه می خواهی؟»

نجار جواب داد: « دنبال کاری می گردم، آیا کاری داری؟ »
حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»
نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه ام است؛ او برادرم و دشمنم است؛»

به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن نهر به دو نیم تقسیم کرده است؛ او نهر را کنده است؛ زیرا از من عصبانی است. چوب‌های بسیاری در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.»

سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و بعد از ظهر بر می‌گردم.» هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه‌اش برگشت خیلی تعجب کرد، نجار دیواری نداشت؛ بلکه پلی روی نهر ساخت؛ سپس حمید خشمگین شد و به نجار گفت: «چه کردی؟! چرا پل ساختی?!» در این هنگام، سعید رسید و پلی را مشاهده کرد و گمان کرد که حمید دستور ساختن پل را داده است؛ سپس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و معذرت خواهی کرد.

حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز مهمان من هستی» نجار عذرخواهی کرد و گفت: «پل‌های زیادی مانده است، باید برای ساختن آنها بروم.»

از سخن فرستاده خدا

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ :

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.
دو چیز است که خداوند به آنها نگاه نمی‌کند؛ جدا کننده فامیل و همسایه بد.



✍ با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|---|
| ☒ | ☐ | ۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِّزَوْجَةِ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.
همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ما خارج شو. |
| ☒ | ☐ | ۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَاراً خَشَبِيّاً بَيْنَ الْأَخَوَيْنِ.
نجار دیواری چوبی بین دو برادر ساخت. |
| ☒ | ☐ | ۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.
نجار سه روز در خانه حمید ماند. |
| ☐ | ☒ | ۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.
سعید مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرد. |
| ☐ | ☒ | ۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ.
سعید پشیمان شد و برادرش را بوسید. |
| ☐ | ☒ | ۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.
حمید از سعید بزرگ تر است. |

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱) (یا وَلَدُ، اِفْعَلْ)، (یا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اِلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

چرا تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اِلْعَبْ مَعَ زَمَلَائِكَ.

چرا تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.

بدانیم

با فعل امر آشنا شوید. به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَلُ	افْعَلْ
	تَفْعَلِينَ	افْعَلِي
	انجام می‌دهی	انجام بده

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می‌شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می‌دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می‌نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می‌آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می‌نویسی	اُكْتُبْ: بنویس	تَصُدُقِينَ: راست می‌گویی	اُصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

اِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.	کلید را پیدا کن.	اِزْرَعِي قَمْحًا.	گندم بکار.
ارْقَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	پرچم ایران را بلند کن.	اِرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	به سوی پروردگارت بازگرد.
اُطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین کارها را درخواست کن.	اَشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت تشکر کن.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. أَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظِفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.
کشاورز در کارگاه و کارمند در اداره کار می‌کند.
.....**درست**.....
۲. مَرَقْدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ.
مرقد امام سوم در شهر مشهد در استان خراسان است.
.....**نادرست**.....
۳. أَلْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجَعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.
انبار مکانی است که در آن چیزهای مختلفی را قرار می‌دهیم و نگهداری می‌کنیم.
.....**درست**.....
۴. بَعْدَ تَصَادُمِ سَيَّارَتَيْنِ يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ.
بعد از تصادف دو ماشین پلیس راهنمایی و رانندگی می‌آید.
.....**درست**.....
۵. أَلْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ.
پل مکانی است که در آن بیماران برای معالجه بستری می‌شوند.
.....**نادرست**.....

التَّمرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رَجَاءُ، الْعَبْيُ مَعَنَا كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.

.....**لطفاً با ما تنیس روی میز بازی کن.**.....



رَجَاءُ، الْعَبُّ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ.

.....**لطفاً با ما فوتبال بازی کن.**.....

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۰۹

پروردگارا ما ایمان آوردیم، پس ما را ببامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲. ﴿... اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء ۸۴

برای ... ما در آیندگان آوازه نیکو قرار بده.

۳. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ المائدة ۸۳

پروردگارا ما ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران ۱۴۷

ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِغَاب / صَالِحَات / رَاحِمُونَ / زَوْجَةٌ / جِسْرَيْنِ / تِلْمِیذَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زَوْجَه	جِسْرَيْنِ	تِلْمِیذَتَانِ	رَاحِمُونَ	صَالِحَات	صِغَاب

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید.

۱. يَا أَخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدَرِّسِنَا. ای برادرِ من، سخنِ معلمِ ما را گوش کن.
۲. يَا أُخْتِي، اصْنَعِي مُسْتَقْبَلَكِ. ای خواهرِ من، آینده‌ات را بساز.
۳. يَا أَيُّهَا التِّلْمِذُ، أَشْكُرُ رَبَّكَ. ای دانش‌آموز (پسر)، پروردگارِ تو را شکر کن.
۴. يَا أَيَّتُهَا التِّلْمِذَةُ، أَشْكُرِي رَبَّكَ. ای دانش‌آموز (دختر)، پروردگارِ تو را شکر کن.

التَّامِرِينَ السَّادِسُ

● گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.^۱
به کسی که در زمین است رحم کن تا آنکه در آسمان است به تو رحم کند.
۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ.
مهندسان پلی برای عبور ماشین‌ها ساختند.
۳. سَعِيدٌ اَلْمَزْرَعَةُ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ.
سعید با آن رود مزرعه را به دو نیم تقسیم کرد.
۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى.
بیمار ناتوان شد پس در بیمارستان بستری شد.
۵. ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ.
به دوستت ستم کردی پس او بر تو خشمگین شد.
۶. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكَرَّاسِيِّ.
همسایه ما در کارگاه صندلی سازی کار می‌کند.

- ☐ اُسْجُدَ ☒ اِرْحَمَ
☐ مَخْزَنًا ☒ جِسْرًا
☐ حَسِبَ ☒ قَسَمَ
☐ حَفَرَ ☒ رَقَدَ
☒ غَضَبَانُ ☐ خُسْرَانُ
☒ مَصْنَعِ ☐ مَلْعَبِ

۱. مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جَمال / تَلْمِيز / عِنْدَمَا / حَزِين / قُبْح / مَحْزُون / لَمَّا / شَقَاوَة / طَالِب / سَعَادَة
 جَمال ≠ قُبْح / شَقَاوَة ≠ سَعَادَة / تَلْمِيز = طَالِب
 عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِين = مَحْزُون

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. اِعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ^۱ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بدان که پیروزی همواره بر دباری است.

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند، از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ ع

ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان ناتوان است.

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ ع

هرگاه بر دشمنت چیره شدی؛ بخشایش را شکرانه چیرگی بر او قرار بده.

۵. اَلْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش و دارایی هر عیبی را می‌پوشانند و نادانی و نداری هر عیبی را آشکار می‌کنند.

۱. النَّصْر: پیروزی.

۲. حرف «ل» در «اجْعَلْ» در جمله «... اجْعَلِ الْعَفْوَ ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجْعَلِ الْعَفْوَ).

فَعَالِيَّت

● یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

قَالَتِ الْوَالِدَةُ لَطْفُلَتِهَا: مادر به دختر کوچکش گفت:

إِذْهَبِي إِلَى سَاحَةِ الْمَنْزِلِ وَانْظُرِي هَلِ السَّمَاءُ صَافِيَةٌ أَمْ سَحَابِيَّةٌ بِهِ حَيَاطُ خَانَةِ بَرُو وَبَيْنَ أَسْمَانِ صَافٍ

است یا ابری؟